

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره چهاردهم، شماره ۲، بهار ۱۳۷۸ (پیاپی ۲۸)

مقایسه خود پنداری در میان دختران و پسران دانش آموز
مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهر شیراز

دکتر شهلا البرزی

سیامک سامانی

دانشگاه شیراز

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی خود پنداری در میان دانش آموزان دختر و پسر مراکز تیزهوشان به طور کلی و به تفکیک در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی می باشد. همچنین در این مقاله سطوح مختلف خود پنداری در گروه دختران و پسران به تفکیک مورد پژوهش قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر ۱۹۲ دختر و پسر کلاس های دوم و سوم راهنمایی مراکز تیزهوشان شهرستان شیراز می باشد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه پی - ام - اس - پی - اس استفاده شد. این پرسشنامه چند بعدی و بر اساس چند نظریه ساخته شده است. ثبات پرسشنامه به روش دوباره سنجی $0/78$ و در سطح $0/001$ معنی دار بود. نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری میان خود پنداری دختران و پسران به طور کلی موجود نیست. همچنین در بررسی مقوله های مختلف خود پنداری نتایج نشان داد که گرچه میانگین نمرات دختران در خود پنداری تحصیلی، اجتماعی و ارزشی بالاتر از پسران بود، لیکن این تفاوت ها معنی دار نبود. اما پسران دارای خود پنداری ورزشی بالاتری بودند که در سطح $0/005$ معنی دار بود. نتایج آزمون مکرر نشان داد که تفاوت معنی داری میان خود پنداری تحصیلی در مقایسه با خود پنداری ورزشی و اجتماعی موجود است. این تفاوت در سطح $0/001$ معنی دار بود. بررسی های بیشتر پژوهش نشان داد که دانش آموزان دختر و پسر این مراکز برای نظر مادرشان نسبت به پدر، معلم و دوستان اهمیت بیشتری قائلند و همچنین در چهار زمینه مورد بررسی، مادران بیشتر نقش تشویق کننده را دارند. این موضوع برای پسران به جز در

زمینه ورزشی در تمام زمینه ها صدق می کند. به عبارت دیگر پدران در زمینه ورزشی برای پسران مشوق بهتری هستند. در راستای این پژوهش پیشنهادهایی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: ۱- تیزهوشان ۲- خود پنداری ۳- تفاوت های جنسیتی ۴- دانش آموزان سرآمد ۵- خود ادراکی

۱. مقدمه

پیشگامان تعلیم و تربیت غالباً معتقدند تیزهوشی موضوعی است که امروزه برای خود تعریفی جامع می طلبد گاسکین و همکاران (۱۹۸۶). به عبارت دیگر این نام دیگر همه آنچه را که در این مفهوم جای دارد در بر نمی گیرد. استنبرگ و دیوسن (۱۹۸۶) در تألیف جالب خود به نام مفاهیم "تیزهوشی" که حاوی نگرش ۲۹ نفر از محققان است کمک شایانی به روشن کردن این موضوع نمودند. آنان نتیجه گرفتند که تیزهوشی تابعی از نظریه ها و الگوهای پردازش اطلاعات می باشد، به صورت دیگر تیزهوشی عبارت از ظرفیت و توانایی پردازش شناختی است.

از معتقدین اصلی به مفاهیم تیزهوشی مبتنی بر آموزش و پرورش مدرسه ای می توان از رنزولی (۱۹۸۱)، استانلی و بن بو (۱۹۸۶) نام برد. مفهوم سه حلقه ای^۱ تیزهوشی را رنزولی ابتدا در سال ۱۹۷۸ ارائه کرد (فلدهسن، ۱۹۸۹). در این الگو سه مجموعه تو در تو و پیوسته به هم از ویژگی ها، برای تیزهوشی در نظر گرفته می شود: توانایی بالاتر از حد متوسط، توانایی های خلاق، تعهد به انجام وظیفه. مانکز و همکاران (۱۹۸۵) با انجام یک سلسله پژوهش در اروپا از الگوی سه حلقه ای حمایتی وسیع به عمل آورده اند و با وارد کردن زمینه ها و ساختارهای اجتماعی که تیزهوشی در آنها خود را به منصف ظهور می رساند (مانند مدرسه، خانواده و نیرو)، این نظریه را گسترش دادند. کارشناسان تعلیم و تربیت بیش از آن که بتوانند برنامه آموزش تسریعی^۲ (ارتقای دانش آموزان به کلاس بالاتر از همسالان) و یا خدمات ویژه غنی سازی^۳ (ارائه تجربه های اضافی به دانش آموزان بدون ارتقای آنها به کلاس بالاتر) را تدارک ببینند، مسلماً باید دانش آموزان تیزهوش را شناسایی کنند و به ویژگی های آنان پی ببرند.

مطالعه خود پنداری^۴ در افراد تیزهوش از زمینه های مورد توجه متخصصان است. از سویی دیگر مرئیانی که عهده دار تعلیم و تربیت دانش آموزان سر آمد می باشند به شناخت این امر در دانش آموزان خود نیز علاقمندند.

خودپنداری به صورت مجموعه ای از ادراکات و نگرش هایی که نسبت به خود داریم و اینکه چگونه خود را توصیف می کنیم، بیان شده است گیج و برلینر (۱۹۷۵). بعضی از متخصصان خود پنداری را به صورت پدیده ای یک بعدی^۵ و کلی نگریسته اند و در بررسی های خود نشان داده اند که دانش آموزان سر آمد از خود پنداری بالاتری نسبت به دانش آموزان

عادی برخوردارند کلمن و فالتز (۱۹۸۲). در حالیکه در پژوهش های دیگر اعتقاد بر آن است که پدیده پیچیده خودپنداری را نمی توان به صورت دیدگاه یک بعدی و کلی مورد مطالعه قرار داد. بیرنز و شاولسون (۱۹۸۶) و همچنین هوج و مک شفری (۱۹۹۱) در تحقیق خود نشان داده اند که خودپنداری دارای اجزائی مستقل است. آنان توانایی های تحصیلی، اجتماعی و ظاهری را از اجزاء اصلی موجود در خود پنداری فرد می دانند. این محققان معتقدند که در دانش آموزان تیزهوش و بخصوص دختران توانایی تحصیلی با عزت نفس^۶ همبستگی بیشتری دارد، چرا که دانش آموزان تیزهوش به خاطر پیشرفت تحصیلی بیشتر مورد تقویت قرار می گیرند.

دیدگاه هارتر (۱۹۸۲) نسبت به خود پنداری نیز به صورت چند بعدی است. او معتقد است که اجزاء خود پنداری با بالا رفتن سن قابلیت تفکیک بیشتری پیدا می کنند. هارتر معتقد است که متغیرهای ظاهری و اجتماعی با خود پنداری کلی ارتباط بیشتری دارند. تونگ و یوچاک (۱۹۹۶) در پژوهش خود نیز نشان دادند که خودپنداری چند بعدی^۷ است. به طور کلی، در حال حاضر تحقیقات بیشتر به اجزاء مشخص خودپنداری در مقایسه با آن به صورت عامل تک بعدی می پردازند. رابینسون و نوبلی (۱۹۸۸) گزارش می دهند که دانش آموزان تیز هوش از نظر تحصیلی خود را تواناتر از گروه های عادی می دانند و در مقایسه با اجزاء دیگر خودپنداری چون خود پنداری اجتماعی و یا ظاهری، دارای خودپنداری تحصیلی بالاتر هستند.

کولیک و کولیک (۱۹۸۲) گزارش می دهند که دانش آموزان سرآمدی که در کلاس های معمولی تحصیل می کنند دارای احساس خود پنداری بالاتری در مقایسه با دانش آموزان تیزهوشی می باشند که در کلاس های مجزا تحصیل می کنند. علت این امر آن است که در گروه دوم، احساس خودپنداری تحصیلی آنان در مقایسه با عملکرد تحصیلی همکلاسانشان که خود دارای توانایی بالای تحصیلی اند، شکل گرفته است. پژوهش مورویتز و موتا (۱۹۹۲) بیانگر آن است که برداشت فرزند نسبت به نظری که والدین نسبت به او دارند (بخصوص تصور مثبت آنها) بر رشد عزت نفس و خود پنداری او تأثیر می گذارد. خود ادراکی کودک در حقیقت وابسته به موقعیت و محیطی است که در آن قرار می گیرد.

تحقیقات دیگری به تفاوت های دختران و پسران در زمینه خودپنداری پرداخته اند، به گونه ای که نشان داده شده، به علت تفاوت های جنسیتی، زنان و مردان از توانایی های خود درک متفاوتی دارند و در نتیجه برنامه های آموزشی آنان تحت تأثیر این امر قرار می گیرد (اکلس و همکاران، ۱۹۹۰).

پژوهش میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) حاکی از آن است که نمره کلی خودپنداری دختران بیشتر از پسران است. در مقابل پژوهش اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) نشان می دهد که پسران دارای خودپنداری بالاتری نسبت به دختران می باشند. پژوهش تونگ و یوچاک (۱۹۹۶) نیز نشان می دهد که تفاوتی بین خودپنداری کلی دختران و پسران موجود نیست و بخصوص در زمینه توانایی های ورزشی پسران نمرات بالاتری نسبت به دختران کسب می کنند.

روحانی (۱۳۵۹) در پژوهشی که در شیراز انجام داد نشان داد که بین خودپنداری و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری موجود است و میزان همبستگی بیشتری میان خودپنداری و موفقیت تحصیلی برای دختران در مقایسه با پسران وجود دارد. این پژوهش گر نشان داد که عوامل فرهنگی بر چگونگی روابط بین دو متغیر خودپنداری و پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد اما این اثرات به خصوص به نقش های فرهنگی دختران و پسران در فرهنگ های متفاوت ارتباط پیدا می کند.

پژوهش فلدهسن و همکاران (۱۹۹۰) بیانگر این مطلب است که وقتی دانش آموزان کلاس های سوم تا هشتم را در برنامه های تسریع خلاقیت قرار می دهند، خودپنداری آنان افزایش می یابد. این پژوهش نشان داد تفاوت معنی داری بین خودپنداری پسران و دختران موجود نیست.

اکلس و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند که خود ادراکی کودکان و درکی که از تکلیف دارند بر انتخاب دانش آموزان در فعالیت های متفاوت اثر می گذارد. کودکان در فعالیت هایی بیشتر شرکت می کنند که فکر می کنند در آنها خوب عمل می کنند و یا لذت بیشتری می برند. این پژوهشگران متوجه شدند که این موضوع در زمینه ریاضیات و ورزش برای پسران بیشتر صدق می کند. چرا که پسران در فعالیت های ورزشی بیشتر شرکت می کنند و به توانایی های ورزشی خود اعتقاد بیشتری دارند و برای این نوع فعالیت ها ارزش زیادی قائلند.

مندا گلیو و پی ریت (۱۹۹۵) خودپنداری را بر اساس چهار بعد مورد بررسی قرار می دهند. خودپنداری تحصیلی^۸ (درک و نگرشی که فرد در زمینه تحصیلی نسبت به خود دارد)، خودپنداری اجتماعی^۹ (درک و نگرشی که فرد در زمینه تعاملات اجتماعی نسبت به خود دارد)، خودپنداری ورزشی^{۱۰} (درک و نگرشی که فرد در زمینه ورزشی و بازی ها نسبت به خود دارد)، و خودپنداری ارزشی^{۱۱} (درک و نگرشی که فرد برای خود قائل است، به طور مثال فرد درکی که از خود دارد، این است که آدم خوبی است). در دیدگاه آنان خود پنداری بر اساس سه نظریه تبیین گردیده است. برداشت بازتابی^{۱۲}، مقایسه اجتماعی^{۱۳}، و اسناد^{۱۴}. این محققان متذکر می شوند که دانش آموزان تیزهوش در چهار زمینه خودپنداری دارای نمرات بالاتری در مقایسه با دانش آموزان عادی می باشند و عامل عمده ای که باعث این تفاوت می شود، خود ادراکی تحصیلی آنان است.

از آنجایی که شناسایی ویژگی های دانش آموزان تیزهوش می تواند اطلاعاتی مناسب در اختیار دست اندرکاران تعلیم و تربیت این گروه قرار دهد که در اصلاح و توسعه برنامه های آموزشی آنان مؤثر واقع شود، همچنین به لحاظ آن که اگر در پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان تیزهوش با شکست مواجه شویم، نه تنها به این کودکان و نوجوانان لطمه وارد شده بلکه به جامعه که از همیاری آنان در آینده ای نه چندان دور سود خواهد برد نیز لطمه رسانده ایم، لذا پژوهش حاضر در این راستا صورت گرفت.

هدف از پژوهش حاضر بررسی خودپنداری دانش آموزان مراکز تیزهوشان در شهر شیراز می باشد. همچنین با توجه به الگوی چند بعدی منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵) از خودپنداری، ابعاد تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی در میان پسران و دختران نیز مورد مقایسه قرار گرفته است. در ضمن ابعاد مختلف خودپنداری در این گروه ها نیز بررسی شده است.

۲. فرضیه های پژوهش

- ۱- تفاوت معنی داری بین خود پنداری کلی دختران و پسران مراکز سر آمدها وجود دارد.
- ۲- بین مقوله های خودپنداری (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی، ارزشی) میان پسران و دختران مراکز تیزهوشان تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۳- خودپنداری تحصیلی در دختران و پسران بالاتر از سطوح دیگر خودپنداری (اجتماعی، ورزشی، ارزشی) است.
- ۴- خودپنداری ورزشی در پسران بالاتر از خود پنداری (اجتماعی و ارزشی) است.

۳. روش تحقیق

۳.۱. **افراد نمونه:** جمعیت آماری پژوهش حاضر را کل دانش آموزان پایه دوم و سوم مراکز راهنمایی دخترانه و پسرانه تیزهوشان شهر شیراز تشکیل می دهند. نظر به اینکه نمونه گیری در تابستان و در هنگام برپایی کلاس های تابستانه صورت گرفت. لذا از دانش آموزان سال اول راهنمایی، که تازه به مراکز راه یافته بودند استفاده نشد، جمعیت آماری شامل ۱۹۲ دختر و پسر (۹۴ دختر و ۹۸ پسر) سنین ۱۱ تا ۱۴ ساله و با میانگین سنی ۱۲ سال و ۷ ماه بود. شایان ذکر است که این دانش آموزان پس از انتخاب اولیه در کلاس پنجم ابتدائی (با توجه به معدل بالای ۱۹) و شرکت در امتحانات ورودی مراکز تیزهوشان که عمدتاً بر اساس آزمون های هوشی، ریاضی، علوم تجربی می باشد در این مراکز پذیرفته شده اند.

۳.۲. **ابزار تحقیق:** وسیله تحقیق مشتمل بر پرسشنامه ای بود که منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵) در زمینه ارزیابی خودپنداری ساخته و آن را پی - ام - اس - پی - اس^{۱۵} نام نهاده اند. این پرسشنامه در مورد مفهوم خودپنداری دارای دیدگاهی چند بعدی است و بر اساس چند نظریه بنا شده است.

پرسشنامه پی - ام - اس - پی - اس از سه بخش تشکیل یافته است. بخش اول مشتمل بر اطلاعات در زمینه مشخصات عمومی افراد نمونه پژوهش مثل جنس، سن و پایه تحصیلی می باشد. در بخش دوم، میزان اهمیت نظر افرادی که در زندگی دانش آموزان نقش دارند (مادر، پدر، معلم، بهترین دوست) و میزان اهمیت چهار مقوله تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی مورد سؤال قرار می گیرد و از دانش آموزان خواسته می شود نظر خود را به صورت (خیلی مهم، مهم و بی اهمیت) نشان دهند.

بخش سوم پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و از دانش آموزان خواسته می شود که نظرات خود را بر اساس ۴ نمره ۴ بخشی (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) مشخص نمایند. این بخش بر اساس سه دیدگاه برداشت بازتابی، مقایسه اجتماعی و اسناد تنظیم یافته است. سئوالاتی از قبیل 'احساسم این است که مادرم فکر می کند من با هوش تر هستم' بیانگر دیدگاه برداشت بازتابی، سئوالاتی از قبیل 'من از بچه های هم سن و سال خودم باهوش تر هستم' بیانگر دیدگاه مقایسه اجتماعی و سئوالاتی از قبیل 'من بخودم ثابت کرده ام که فرد خوبی هستم' بیانگر دیدگاه اسناد می باشد. همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر از دانش آموزان خواسته شد افرادی که در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی آنها را بیشتر تشویق می کنند، مشخص نمایند.

روائی و پایائی پرسشنامه: جهت روائی محتوا، پرسشنامه در اختیار چند تن از صاحب نظران قرار گرفت و از نظرات آنان استفاده شد، پایائی پرسشنامه با استفاده از دو روش بشرح ذیل مورد بررسی قرار گرفت:

الف: جهت بررسی همسانی درونی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و نتیجه حاصل نشان داد که ضریب آلفای کل پرسشنامه ۰/۸۷ است.

ب: جهت بررسی ثبات پرسشنامه از روش دوباره سنجی استفاده شد. بدین صورت که به گروهی از دانش آموزان (۶۰ نفر) پس از دو هفته مجدداً پرسشنامه ارائه گردید. و نتیجه نشان داد که ضریب پایائی بدست آمده ۰/۸۷ است ($P < 0/001$).

۳.۳. روش اجراء: به افراد نمونه، پرسشنامه پی - ام - اس - پی - اس ارائه گردید. در آغاز کار برای آنان توضیح داده شد که چگونه باید به سئوالات پاسخ دهند. و سپس از آنان خواسته شد که برای بخش دوم پرسشنامه نظرات خود را به صورت خیلی مهم، مهم، بی اهمیت و برای بخش سوم پرسشنامه پاسخ های خود را با توجه به یکی از موارد کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم نشان دهند. و در انتهای پرسشنامه به سئوالاتی که بیانگر نقش افراد تشویق کننده در زمینه های چهارگانه است، به هر چند مورد که لازم می دانند، پاسخ دهند.

متغیر مستقل این پژوهش شامل جنسیت دانش آموزان و متغیر وابسته نمرات کسب شده از کل پرسشنامه (خودپنداری کلی) و نمرات کسب شده در ۴ مقوله تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی (خودپنداری به تفکیک) بود.

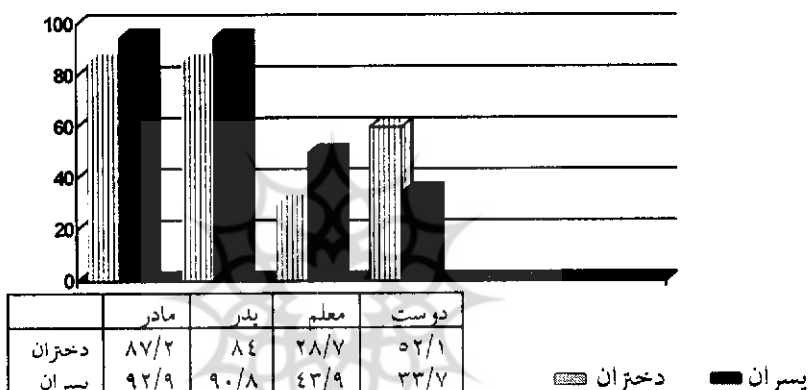
برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری درصد گیری، تحلیل واریانس و اندازه گیری مکرر^{۱۴} استفاده شد. شایان ذکر است که از آزمون تحلیل واریانس به جای آزمون تی در این پژوهش استفاده گردیده است که از نظر بعد ریاضی برابر با آزمون تی و لیکن توان بیشتری دارد.

۴. یافته ها

نتایج بدست آمده بشرح ذیل است:

۱.۴. نتایج پژوهش در ارتباط با میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، معلم و دوست) برای دانش آموزان پسر و دختر که در نمودار یک آمده است نشان داد که پسران و دختران برای نظر مادرشان اهمیت بیشتری قائلند.

نمودار ۱: میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، معلم، دوست) برای دانش آموزان دختر و پسر مراکز تیزهوشان



چنانچه در نمودار شماره یک مشاهده می شود، دختران و پسران برای نظر مادر نسبت به پدر، معلم و دوست اهمیت بیشتری قائلند. این مقایسه نشان داد که برای دختران بعد از مادر نظر پدر، سپس دوست و پس از آن معلم دارای اهمیت است. در حالیکه برای پسران بعد از نظر مادر نظر پدر و سپس معلم و بعد از آن دوست مهم است. در ارتباط با میزان اهمیت زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی نتایج حاکی از آن بود که دانش آموزان مراکز سرآمدها به طور کلی برای زمینه تحصیلی اهمیت بیشتری نسبت به بقیه موارد قائلند (جدول شماره ۱).

چنانچه در جدول شماره یک مشاهده می شود میانگین نمرات نظر دانش آموزان نسبت به چهار مقوله مورد بحث بیانگر آن است که میزان اهمیت این موارد به ترتیب عبارتند از: تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی می باشد. زمینه اجتماعی برای دختران در مقایسه با پسران از میزان اهمیت بیشتری برخوردار است. (میانگین نمرات پسران، $2/72 =$ میانگین نمرات دختران) که این تفاوت در سطح $0/005$ معنی دار می باشد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۱

میزان اهمیت زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی
در دانش آموزان مراکز تیزهوشان

میزان اهمیت زمینه	میانگین کل نمونه	انحراف معیار کل نمونه	میانگین دختران	انحراف معیار دختران	میانگین پسران	انحراف معیار پسران
تحصیلی	۲/۸۵	۰/۳۸	۲/۸۸	۰/۳۵	۲/۸۳	۰/۴
اجتماعی	۲/۶۰	۰/۵۶	۲/۷۲	۰/۴۵	۲/۴۹	۰/۶۲
ورزشی	۲/۰۶	۰/۶	۱/۸۹	۰/۵۹	۲/۲۲	۰/۶
ارزشی	۲/۴۴	۰/۶۵	۲/۴۲	۰/۶۶	۲/۴۷	۰/۶۴

جدول شماره ۲

مجموع مجذورات، درجات آزادی، میانگین مجذورات، تحلیل واریانس برای
مقایسه زمینه اجتماعی در دختران و پسران

منبع متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F
اثر اصلی (اجتماعی)	۲/۶۲	۱	۲/۶۲	
باقیمانده	۵۷/۳	۱۹۰	۰/۳۰۲	۰/۸۶۸
کل	۵۹/۹۲	۱۹۱	۰/۳۱۴	

$P < 0.005$

میزان اهمیت زمینه ورزشی برای پسران نسبت به دختران بالاتر می باشد (۲/۲۲ = میانگین نمرات پسران، ۱/۸۹ = میانگین نمرات دختران) که این تفاوت در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳

مجموع مجذورات، درجات آزادی، میانگین مجذورات، تحلیل
واریانس برای مقایسه زمینه ورزشی در دختران و پسران

منبع متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F
اثر اصلی	۵/۲۵	۱	۵/۲۵	
باقیمانده	۶۷/۹۸	۱۹۰	۰/۳۶	* ۱۴/۶۷
کل	۷۳/۲۵	۱۹۱	۰/۳۸	

$P < 0.001$

۴.۲. نتایج تحقیق در زمینه مقایسه خودپنداری کلی بین دختران و پسران مراکز سرآمد حاکی از آن بود که تفاوت معنی داری بین خودپنداری دختران و پسران وجود ندارد.
{ $F(1,190) = 0.001$, $P = NS$ ، دختران = میانگین نمرات پسران و $70/07 =$ میانگین نمرات دختران، $F(1,190) = 0.001$ }.}

همچنین در بررسی خودپنداری به صورت مقوله های مجزا نتایج نشان داد که:

۴.۲.۱. خودپنداری تحصیلی: تفاوت معنی داری بین خود پنداری تحصیلی دختران و پسران مراکز تیزهوشان وجود ندارد $\{F(1,190) = 0/58, P=NS\}$. گرچه میانگین نمرات دختران برابر با ۱۸/۳۰ و بیشتر از پسران ۱۷/۹۵ است.

۴.۲.۲. خودپنداری اجتماعی: نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معنی داری بین خودپنداری اجتماعی دختران و پسران موجود نیست $(F(1,190) = 2/75, P=NS)$. گرچه میانگین نمرات خودپنداری اجتماعی دختران بالاتر از پسران می باشد (میانگین نمرات پسران، ۱۸/۱۳ = میانگین نمرات دختران).

۴.۲.۳. خودپنداری ورزشی: نتایج نشان داد که در این مقوله تفاوت معنی داری بین خودپنداری دختران و پسران موجود است که این موضوع به نفع پسران می باشد (میانگین نمرات پسران و ۱۴/۹۷ = میانگین نمرات دختران).

جدول شماره ۴

مجموع مجذورات، درجات آزادی، میانگین مجذورات، تحلیل واریانس برای

خودپنداری ورزشی میان دختران و پسران

مقدار F	میانگین مربعات	دزجه آزادی	مجموع مربعات	منبع متغیر
	۱۱۷/۱۴	۱	۱۱۷/۱۴	اثر اصلی
* ۵/۲۳	۲۲/۲۹۰	۱۹۰	۴۲۵۳/۳۸	باقیمانده
	۲۲/۸۸	۱۹۱	۴۳۷۰/۴۵	کل

* $P < 0/005$

۴.۲.۴. خودپنداری ارزشی: نتایج حاصله نشان داد که تفاوت معنی داری بین دختران و پسران مراکز تیز هوشان در ارتباط با داشتن احساس خوب نسبت به خود وجود ندارد. میانگین نمرات دختران برابر با ۱۸/۶۸ و میانگین نمرات پسران برابر با ۱۸/۲۳ بود $(F(1, 190) = 0/99, P=NS)$.

۴.۳. یافته ها نشان داد که میان سطوح خودپنداری تفاوت وجود دارد. میانگین نمرات سطوح مختلف خودپنداری در کل نمونه و در دختران و پسران به تفکیک در جدول شماره ۵ مشخص شده است.

چنانچه در جدول ۵ ملاحظه می شود در کل نمونه، میانگین نمرات خودپنداری ارزشی و تحصیلی کم و بیش یکسان و پس از آن خودپنداری اجتماعی و سپس ورزشی قرار دارد. برای دختران میانگین نمرات خودپنداری ارزشی، تحصیلی و اجتماعی کم و بیش به یک میزان و پس از آن خودپنداری ورزشی قرار دارد. در حالیکه برای پسران خودپنداری ارزشی از

میانگین بالاتری نسبت به خودپنداری تحصیلی و اجتماعی برخوردار است و در انتها خودپنداری ورزشی قرار دارد.

جدول شماره ۵

میانگین و انحراف معیار نمرات سطوح خودپنداری (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و

ارزشی) در دختران و پسران مراکز تیزهوشان

میزان اهمیت زمینه	میانگین کل نمونه	انحراف معیار کل نمونه	میانگین نمرات دختران	انحراف معیار نمرات دختران	میانگین نمرات پسران	انحراف معیار نمرات پسران
تحصیلی	۱۸/۱۲	۲/۱۵	۱۸/۲۹	۲/۷۱	۱۷/۹۵	۳/۵۲
اجتماعی	۱۷/۷۱	۳/۴۴	۱۸/۱۲	۳/۲۲	۱۷/۳۱	۳/۶
ورزشی	۱۵/۷۷	۴/۷۸	۱۴/۹۷	۴/۸۲	۱۶/۵۳	۴/۶۴
ارزشی	۱۸/۴۵	۳/۱۱	۱۸/۶۸	۳/۰۳	۱۸/۲۳	۳/۱۸

جهت بررسی فرضیه مربوط به اینکه خودپنداری تحصیلی نسبت به دیگر سطوح خودپنداری از نمره بالاتری برخوردار است از آزمون مکرر استفاده شده و نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری میان خودپنداری تحصیلی در مقایسه با خودپنداری ورزشی و خودپنداری تحصیلی در مقایسه با خودپنداری اجتماعی وجود دارد که در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول شماره ۶

اثر خودپنداری تحصیلی کل نمونه با استفاده از آزمون مکرر

خودپنداری تحصیلی	مقایسه خودپنداری ارزشی با اجتماعی > تحصیلی	درجه آزادی ۱ ۱۹۰	نسبت F ۵/۲۹*	میانگین مربعات ۴۲/۱۱	خودپنداری تحصیلی
خودپنداری	درجه آزادی ۲ ۱/۸۸	درجه آزادی ۱ ۳	نسبت F ۲۰/۲۹	اثر Pillai ۰/۲۴	خودپنداری

* $P < 0.001$

چنانچه در جدول مشاهده می شود، نتایج آزمون مکرر تنها حاکی از تفاوت معنی دار میان خود پنداری تحصیلی در مقایسه با خودپنداری ورزشی و اجتماعی است. همچنین جهت بررسی سطوح خودپنداری به تفکیک در دختران و پسران از روش آزمون مکرر استفاده شد که این نتایج برای دختران در جدول شماره ۷ و برای پسران در جدول شماره ۸ گزارش شده است.

نتایج جدول شماره ۷ بیانگر پاسخ به این فرضیه است که خودپنداری تحصیلی در دختران بالاتر از سطوح دیگر خودپنداری است. چنانچه در جدول ملاحظه می شود تفاوت معنی داری بین خودپنداری تحصیلی و ورزشی در دختران وجود دارد که در سطح 0.001 معنی دار است. همچنین جدول شماره ۸ بیانگر پاسخ به این فرضیه ها می باشد که خودپنداری تحصیلی در پسران بالاتر از سطوح دیگر و خودپنداری ورزشی بالاتر از خودپنداری اجتماعی و ارزشی است.

چنانچه در جدول شماره ۸ ملاحظه می شود خودپنداری تحصیلی در پسران بالاتر از خودپنداری اجتماعی و ورزشی است که در سطح $0/001$ معنی دار است. اما خودپنداری ورزشی در پسران پایین تر از ارزشی است که در سطح $0/001$ معنی دار است.

جدول شماره ۷

اثر خودپنداری تحصیلی دختران با استفاده از آزمون مکرر

مقایسه خودپنداری ورزشی تحصیلی	درجه آزادی	نسبت F	میانگین مربعات	خودپنداری تحصیلی
درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	نسبت F	اثر Pillai	خودپنداری
۹۱	۳	۱۷/۱۱	۰/۳۶	۸۱۵/۳

* $P < 0/001$

جدول شماره ۸

اثر خودپنداری تحصیلی و ورزشی پسران با استفاده از آزمون مکرر

مقایسه خودپنداری ورزشی با اجتماعی > تحصیلی	درجه آزادی	نسبت F	میانگین مربعات	خودپنداری تحصیلی
مقایسه خودپنداری ورزشی با اجتماعی > تحصیلی	درجه آزادی ۱	نسبت F	اثر Pillai	خودپنداری
۹۵	۳	۶/۹ *	۰/۱۸	۴۰/۳
۹۷	۱	۵/۱۲ *	۱۴۲/۲۹	۱۳/۱ *

۴.۴ جهت کسب اطلاعات بیشتر، نتایج حاصل از پرسشنامه پی - ام - اس - پی - اس به گونه دیگری نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

۴.۴.۱. درمورد دیدگاه برداشت بازتابی، پژوهشگران به دنبال کسب اطلاعات بیشتری در این ارتباط بودند که آیا بین دختران و پسران در مورد احساسشان از برداشت دیگران نسبت به خودشان تفاوتی وجود دارد؟ نتایج نشان داد تفاوت معنی داری در این ارتباط بین پسران و دختران موجود نیست ($F(1, 190) = 0/15, P=NS$).

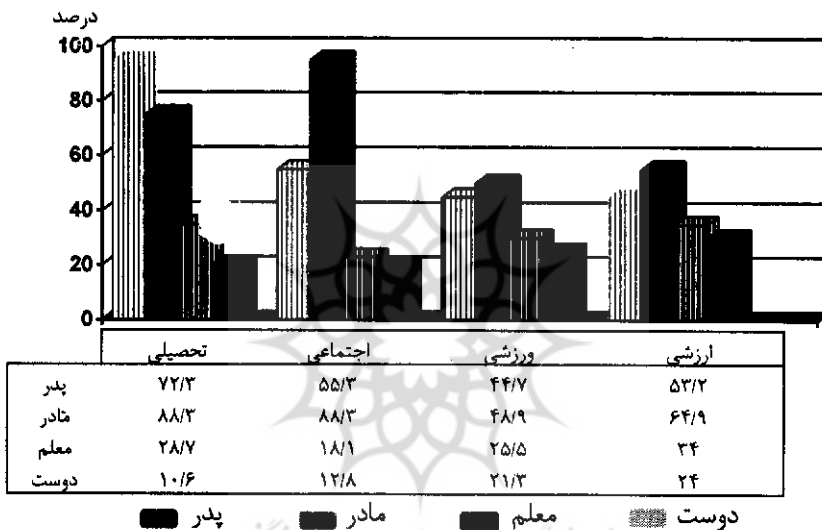
۴.۴.۲. در مورد دیدگاه مقایسه اجتماعی، محققان به دنبال این مطلب بودند که آیا میان دختران و پسران هنگامی که خودشان را با همسن و سالهایشان در چهار مقوله مورد پژوهش مقایسه می کنند تفاوتی وجود دارد؟ یافته های پژوهش نشان داد گرچه میانگین نمرات پسران $10/18$ و بالاتر از میانگین نمرات دختران ($9/74$) بود و لیکن تفاوت معنی دار نبود ($F(1, 190) = 1/52, P=NS$).

۴.۴.۳. در مورد دیدگاه اسناد، پژوهشگران به دنبال این مطلب بودند که آیا میان دختران و پسران مراکز تیزهوشان در انتساب ویژگی های مورد پژوهش نسبت به خود تفاوتی وجود

دارد؟ یافته پژوهش نشان داد که تفاوتی بین دختران و پسران موجود نیست
 $(F(1,190) = 0.21, P=NS)$.

۴.۵. از دانش آموزان دختر و پسر خواسته شد افرادی را که بیشتر مشوق آنان در چهار زمینه مورد بررسی بوده اند، مشخص نمایند. نمودار شماره (۲) نظر افراد نمونه را در این ارتباط نشان می دهد.

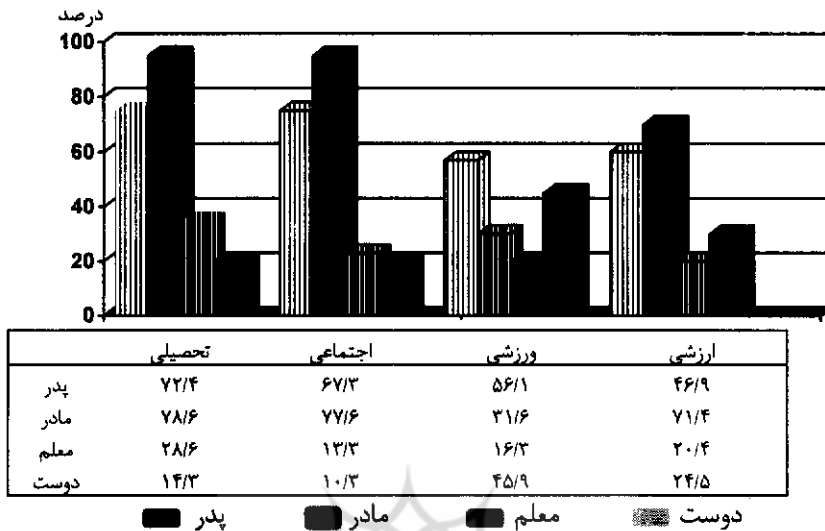
نمودار ۲: میزان تشویق افراد (پدر، مادر، معلم، دوست) برای دختران در چهار زمینه تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی



چنانچه در این نمودار ملاحظه می شود، مادران تشویق کننده های بهتری برای فرزندان دختر خود در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی اند که پس از آنان پدران، معلمان و دوستان قرار دارند. این تشویق ها به ترتیب در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی می باشند.

نمودار شماره (۳) بیانگر این مطلب است که بیشترین مشوق پسران در زمینه های مذکور بجز ورزشی، مادرانشان می باشد. چنانچه در این نمودار مشخص است، در زمینه ورزشی پدران و بعد از آن دوستان تشویق کننده های بهتری برای دانش آموزان پسر می باشند. در زمینه های دیگر به ترتیب مادر، پدر، معلم و سپس دوست قرار دارند.

نمودار ۳: میزان تشویق افراد (پدر، مادر، معلم، دوست) برای پسران در چهار زمینه تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی



۵. بحث و نتیجه گیری

۵.۱. کلیات: هدف از پژوهش حاضر، بررسی خودپنداری کلی و به تفکیک در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی دختران و پسران مراکز تیزهوشان (راهنمایی) شهر شیراز بود. داده های پژوهش با استفاده از روش های آماری درصدگیری، تحلیل واریانس و اندازه گیری مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۱. فرضیه اول: تفاوت معنی داری بین خود پنداری کلی دختران و پسران مراکز تیزهوشان وجود دارد. نتیجه پژوهش نشان داد که تفاوت معنی داری بین خودپنداری دختران و پسران موجود نیست (۷۰/۰۲ = میانگین نمرات پسران و ۷۰/۰۷ = میانگین نمرات دختران).

به عبارت دیگر این فرضیه مورد تائید قرار نگرفت و نتیجه این پژوهش همسو با نتایج پژوهش تونگ یوچاک (۱۹۹۶) و قلدحسن و همکاران (۱۹۹۰) می باشد. در حالیکه در پژوهش میلگرام میلگرام (۱۹۷۶) نشان داده شده است که دختران از خودپنداری کلی بالاتری نسبت به پسران برخوردارند و در پژوهش اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) مشخص گردیده است که پسران دارای خود پنداری بالاتری نسبت به دختران می باشند.

ترخان (۱۳۷۲) از مقایسه ای که بین دانش آموزان مراکز سرآمدها با دانش آموزان عادی در شهر تهران انجام داد به این نتیجه رسید که دانش آموزان گروه اول از عزت نفس و پیشرفت بالاتری برخوردارند و کنترل آنان نیز درونی است. وی معتقد است از آنجا که عزت نفس محصول تجارب موفقیت آمیز است دانش آموزان تیزهوش در زمینه تحصیلی دارای موفقیت می باشند و از محیط نیز بازخوردی مثبت و سازنده تر دریافت می دارند بنابر این از عزت نفس

بالاتری هم برخوردارند که در نتیجه منجر به پیشرفت تحصیلی بالا خواهد شد. در ارتباط با نتایج پژوهش حاضر نیز می توان گفت که این گروه از دانش آموزان در نتیجه به خودباوری بیشتری رسیده اند و نظر به اینکه دختران و پسران این پژوهش از زمینه های خانوادگی و فرهنگی تقریباً یکسانی می آیند و بازخوردی که برای کارهای خود دریافت می کنند از محیط آموزشی مشابه می باشد و نیز با انتظارات تقریباً همسانی مواجهه اند، لذا تفاوتی بین خودپنداری دختران و پسران در مجموع دیده نشد.

۲. فرضیه دوم: بین چهار مقوله خودپنداری (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) میان پسران و دختران تیزهوش تفاوت معنی داری وجود دارد. هنگامی که خودپنداری به صورت مقوله های مجزا مورد بررسی قرار گرفت، یعنی دختران و پسران در زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی به تفکیک مورد مقایسه قرار گرفتند، نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معنی داری بین پسران و دختران در مقوله های تحصیلی ($18/233 =$ میانگین نمرات پسران و $18/68 =$ میانگین نمرات دختران) وجود ندارد. در حالیکه پسران از خود پنداری ورزشی بالاتری نسبت به دختران برخوردار می باشند که این تفاوت در سطح $P < 0/05$ معنی دار است. این نتیجه همسو با پژوهش های اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) و اکلس و همکاران (۱۹۸۹) است. به نظر می رسد که پسران در زمینه ورزشی مورد تشویق و تقویت بیشتری نسبت به دختران قرار می گیرند. همچنین به علت وجود امکانات و دسترسی به منابع ورزشی، پسران توانایی های خود را بیشتر رشد داده و عملکردهای بهتری در مقایسه با دختران از خود نشان می دهند. نتیجه اینکه نگرش مثبت تری نسبت به خود در زمینه ورزشی در مقایسه با دختران که کمتر مورد تشویق و حمایت قرار می گیرند، دارند. در حالیکه در زمینه تحصیلی دختران و پسران بطور یکسان توسط والدین و معلمان خود در چنین مراکز آموزشی (محیط تفکیکی سازمانی) تشویق می شوند.

۳. فرضیه سوم: خود پنداری تحصیلی در دختران و پسران بالاتر از سطوح دیگر خود پنداری (اجتماعی، ورزشی و ارزشی) است. نتایج آزمون مکرر برای پاسخ به این فرضیه تنها حاکی از تفاوت معنی داری میان خودپنداری تحصیلی از خود پنداری ورزشی و تحصیلی از اجتماعی است. همچنین در قسمت دیگری از یافته ها مشاهده شد که دانش آموزان مراکز تیزهوشان برای زمینه تحصیلی اهمیت بالایی قائلند و همچنین مادران نیز در این زمینه نسبت به زمینه های دیگر آنان را بیشتر تشویق می کنند. نتیجه این پژوهش همسو با تحقیقات اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) و پی ریت و منداکلیو (۱۹۹۳) می باشد. آنان نیز متذکر شده اند که دانش آموزان تیزهوش از نظر تحصیلی دارای خود پنداری بالایی اند. هوج و همکاران (۱۹۹۱) متذکر می شوند که اینگونه دانش آموزان تشویق های بیشتری بخاطر پیشرفت تحصیلی دریافت کرده اند. دلیل اینکه خودپنداری تحصیلی تفاوتی با خودپنداری ارزشی ندارد. شاید به علت آنست که این دانش آموزان به همان نسبت که دارای خودپنداری تحصیلی بالاتری اند، به همان میزان نیز احساس مثبت و خوبی نسبت به خود دارند.

چنانکه گفته شده است درک فرزند از برداشت والدینش نسبت به خودش بر نمرات عزت نفس و خودپنداری او تاثیر می گذارد. این درک از خود به جایگاه و موقعیتی که دانش آموز در آن قرار می گیرد نیز وابسته می باشد که برای این دانش آموزان همانا قرار گرفتن در مراکز ویژه آموزشی (محیط تفکیکی سازمانی) می باشد، که از نظر والدین و آشنایان امری مهم تلقی می شود.

همچنین نتایج بیانگر این مطلب بود که در دختران تنها خودپنداری تحصیلی از خودپنداری ورزشی بالاتر است، به عبارت دیگر همچنان که قبلاً مشاهده شده دختران از پسران در زمینه خودپنداری ورزشی پایین تر می باشند و برای زمینه ورزشی نیز اهمیت کمتری قائلند و کمتر در این زمینه نسبت به زمینه های دیگر مورد تشویق قرار گرفته اند. در حالیکه برای زمینه اجتماعی نسبت به پسران اهمیت بیشتری قائلند.

در پسران خود پنداری تحصیلی از خود پنداری اجتماعی و ورزشی بالاتر است و همچنان که ذکر گردید پسران نیز در این زمینه از حمایت بیشتری برخوردارند و بازخوردهای بیشتر و مناسب تری دریافت می کنند.

۴. فرضیه چهارم: خودپنداری ورزشی در پسران بالاتر از خودپنداری اجتماعی و ارزشی است. نتایج آزمون مکرر تنها حاکی از این مطلب است که این فرضیه تنها در مقایسه با خودپنداری اجتماعی صدق می کند و به طور کلی خودپنداری ورزشی در پسران از خودپنداری ارزشی پایین تر است. به نظر می رسد که پسران در مقایسه با دختران از خودپنداری ورزشی بالاتری برخوردار می باشند و لیکن هنگامی که سطوح مختلف خودپنداری در آنان مورد بررسی قرار می گیرد همچنان از خودپنداری تحصیلی و ارزشی بالاتری برخوردار می باشند.

نتایج همچنان بیانگر این مطلب است که مادران فرزندان دختر خود را در چهار مورد بررسی، بیشتر تشویق می کنند. پدران در مرحله بعدی و سپس معلم و دوست قرار دارند. تشویق ها نیز بیشتر در زمینه تحصیلی صورت می گیرد. در حالیکه پدران تشویق کننده های بهتری در زمینه ورزشی پسران خود می باشند و در بقیه موارد، همچنان مادران بیشتر نقش تشویق کننده را دارا هستند. بدین ترتیب می توان متوجه حساسیت مادران نسبت به زمینه های تحصیلی و به طور کلی رشد فرزندانشان در مقوله های دیگر نیز شد که این موضوع نشان می دهد که نقش مادران در زمینه تعلیم و تربیت فرزندانشان چقدر حائز اهمیت است. و در مجموع می توان گفت که انتظار والدین از فرزندانشان به خصوص در ارتباط با نقش های جنسیتی و همچنین محیط های آموزشی ویژه (محیط تفکیکی سازمانی) چگونه می تواند بر برداشت دانش آموزان از خود و تکالیف نیز تاثیر بگذارد.

۲.۵. محدودیت ها و پیشنهادات

۱- از جمله محدودیت های پژوهش، عدم عینیت در تشخیص درست دانش آموزان تیزهوش بود. پیشنهاد می شود که در پژوهش های بعدی بر اساس معیارهای تیزهوشی افراد نمونه انتخاب شوند تا بتوان تعمیم های مناسب تری در باره نتایج داد.

- ۲- پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی از گروه دانش آموزان عادی نیز استفاده شود و خودپنداری دانش آموزان تیزهوش با خودپنداری دانش آموزان عادی مقایسه شود.
- ۳- پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی جهت مقایسه بهتر، از دانش آموزان مراکز سرآمدها و تیزهوشان مدارس عادی و دانش آموزان عادی استفاده شود و خودپنداری این سه گروه و با توجه به جنسیت مورد بررسی قرار گیرد.

یادداشت ها

1. Three-Ring Model
2. Acceleration
3. Enrichment
4. Self- Concept
5. Demain- Specific Factors
6. Self- esteem
7. Multidimensional
8. Academic Self-Concept
9. Social Self-Concept
10. Athletic Self-Concept
11. Evaluative

۱۲. **Reflected Appraisals** برداشت بازتابی: این دیدگاه بر این باور است بازخوردی که فرد از افراد مهم زندگیش دریافت می کند در تشکیل خودپنداری او اثر تعیین کننده ای دارد که بر گرفته از کارهای کولی، (۱۹۰۲)؛ مید، (۱۹۳۴) و سولیوان، (۱۹۵۳) به نقل از منداگلیو و پی ریت، (۱۹۹۵) می باشد.

۱۳. **Social Comparison** مقایسه اجتماعی: در این دیدگاه اعتقاد بر آن است تلقی افراد از توانایی، رفتار یا عملکردشان در مقایسه با دیگران شکل گرفته است. فستینگر (۱۹۵۴) این دیدگاه را ارائه کرده است. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵).

۱۴. **Attribution** اسناد: بر طبق نظریه اسناد (کلی ۱۹۶۷) این اعتقاد وجود دارد همچنان که افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران متوجه خصیصه های آنان می شوند، از طریق مشاهده خود نیز پی به ویژگی های خویش می برند. (به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵).

15. Pyryt- Mendaglio Self- Perception Survey
16. Repeated Measures

منابع

الف. منابع فارسی

۱. ترخان، مرتضی. بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. *مجله استعداد‌های درخشان*، سال دوم شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲.

۲. روحانی، فرشته (۱۳۵۹). *رابطه خودپنداری و عوامل تشکیل دهنده آن با موفقیت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

ب. منابع انگلیسی:

1. Byrns, B.M. and Shavelson, R.J. (1986). *On the Structure of Adolescent Self-Concept*. **Journal of Educational Psychology**, 78, 474-481.
2. Colman, J.M. and Faults, B.A. (1982). *Self-Concept and the Gifted in Classroom: The Role of Social Comparisons*. **Gifted Child Quarterly**, 26, 116-120.
3. Eccles, I.S; Jacobs J.E, and Harold, R.D.(1990). *Gender Role Stereotypes, Expectancy Effects, and Parents, Socialization of Gender Differences*. **Journal of Social Issues**, 46 (2),183-201.
4. Feldhusen, J.F. (1989). *Synthesis of Research on Gifted Youth Educational Leadership*, 47 (1), 6-11.
5. Feldhusen, J.F; Saylor, M.I; Nielden, M.E, and Rollof, B.B. (1990). *Self-Concept of Gifted Children in Enrichment Programs*. **Journal for the Education of The Gifted**, 13(4), 380-387.
6. Gage, N.I; Berliner, D.C. (1975). **Educational Psychology**, Chicago: Rand McNally College Publishing co.
7. Guskin, S.L; Okolo, G.F; Zimmerman, E, and Ping, C. (1986). *Being Labeled Gifted or Talented: Meaning and Effects Perceived by Students in Special Programs*. **Gifted Child Quarterly**, 30, 61-65.
8. Harter, S. (1982). *The Perceived Competence Scale for Children*, **Child Development**, 23, 87-97.
9. Hoge, R.D. and Mcsheffrey, R.(1991). *An Investigation of Self-Concept in Gifted Children* **Exceptional Children**, 57, 238-245.
10. Kulik, C.C and Kulik,J.A.(1982). *Effects of Ability on Secondary School Student: A meta, Analysis of Evaluation Finding*. **American Educational Research Journal**, 19, 45-428.
11. Mendaglio, S; and Pyryt, M.C.(1995). *Self-Concept of Gifted Students Assessment- Based Intervention*. **Teaching Exceptional Children**, 27 (3), 40-45.

12. Milgram, R, M; and Milgram, N.A. (1976). *Personality Characteristics of Gifted Children*. **The Journal of Genetic Psychology**, 129, 185-194.
13. Monks, F.S; Van Boxtel, H.W, and Sanders, M.P. (1985). *The Identification of Gifted Children in Secondary Education* "In Feldhusen, J.F. (1989)." *Synthesis of Research in youth. Educational Leadership*, 46 (6), 6-11.
14. Morvitz, E, Motta, R.W. (1992). *Predictors of Self Esteem: The Role of Parent-Child Perceptions, Achievement, and Class Placement*. **Journal of Learning Disabilities**, 2 (1), 72-80.
15. Pyryt, M.C. and Mendaglio, S. (1994). *The Multidimensional Self-Concept: A Comparison of Gifted and Average Ability Adolescents*. **Journal for the Education of the Gifted**, 17 (3), 299-305.
16. Renzulli, J.S. (1985). *Three-ring Conception of Giftedness: A Developmental Model for Creative Productivity*. In Sternberg, G. & J.E. Davidson (eds), **Conception of Giftedness**, New York: Cambridge University Press, 53-92.
17. Robinson, N.M, and Noble, K. *Social - Emotional Development and Adjustment of Gifted Children*, In Wang, M.C, Reynold, M.C. Walbery, H.J. (Eds), (1988). **Handbook of Special Education: Research and Practice**. New York: Pergamon Press.
18. Schneider, B.H; Cloyg, M.R; Bryne, B.M; Landinghamane J.E. and Cronbie E. (1989). *Social Relations of Gifted as a Function of Age and School Program*. **Journal of Educational Psychology**, 51, 48-55.
19. Stanly J.C, and Benbow, C.P.(1985). *Youths Who Reason Exceptionally Well Mathematically*. In Sternberg, R.J. and David, J.E. (eds), **Conception of Giftedness**, New York: Cambridge University Press. 361-387.
20. Sternberg, R. and Davidson, J.E (eds) (1985). **Conception of Giftedness**. New York: Cambridge University Press.
21. Tong, J. and Yewchuk, C. (1996). *Self-Concept and Sex-Role Orientation in Gifted High School Students*. **Gifted Child Quarterly**. 40 (1).